



«مسائل مجربه»؛ معیاری برای آزمودن علم مدعیان امامت

در ذیل عنوان «مسائل مجربه» در بحارالانوار، مستنداتی راجع به آزمودن علم مدعی امامت مطرح شده که شیعیان برای حصول یقین و تشخیص امام از این پرسش‌ها بهره می‌گرفتند که نمونه‌ای از آن را می‌توان در امامت تنها فرزند امام رضا(ع) با سن بسیار کم در حدود هشت سال مشاهده کرد.

در ذیل عنوان «مسائل مجربه» در بحارالانوار، مستنداتی راجع به آزمودن علم مدعی امامت مطرح شده که شیعیان برای حصول یقین و تشخیص امام از این پرسش‌ها بهره می‌گرفتند که نمونه‌ای از آن را می‌توان در امامت تنها فرزند امام رضا(ع) با سن بسیار کم در حدود هشت سال مشاهده کرد.

مژگان سرشار، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن(ایکنا) در پاسخ به این پرسش که آیا محدود توجه کردن به روایات تفسیری محدود کردن علم امام (ع) نیست؟ به بیان مسائلی در باب علم امام پرداخت و اظهار کرد: بهتر است برای پاسخ گفتن

به این پرسش از روایت تفسیری شروع کنیم و بعد از آن به بیان ارتباط علم امام با این روایت بپردازیم.

وی افزود: با توجه به موضوع سخن، بهترین وجه تقسیم روایات، تقسیم‌بندی آن‌ها در ارتباط با حجیت خبر واحد است؛ یعنی اگر روایت تفسیری را به دو بخش عمده تقسیم کنیم، بخشی را مربوط به امور عملی و آیات الاحکام اختصاص می‌دهیم و بخش دیگر را به روایات غیرفقهی اعم از روایات اعتقادی، تجوید، بیان فضائل سور، تفسیر سایر آیات و مانند آن؛ طبیعتاً با توجه به این مقوله نمی‌خواهیم در حیطه حجیت خبر واحد صحبت کنیم.

سرشار افزود: اگر فرض کنیم که خبر واحد بنابر سیره عقلا در بخش روایات غیر فقهی هم حجیت داشته باشد، مسئله ما در اینجا این خواهد بود که علم معصوم(ع) در کدام یک از این دو زمینه چرا و چگونه می‌تواند دارای حجیت باشد؟ همچنین در خارج از این حوزه نیز علم امام معصوم(ع) تا چه حد است که باید ابتدا به بخش اول آن بپردازیم.

وی ادامه داد: در حیطه روایات مربوط به تمام آیات الاحکام، به عنوان مثال در آیات مربوط به ارث، به نظر می‌رسد که علم امام صد در صد حجیت دارد و بنا بر گزارشات تاریخی که مربوط به سیره اصحاب ائمه(ع) است، باید علم معصوم در تمام این موارد کارساز و رسا باشد، خواه در این زمینه روایتی از امام معصوم(ع) رسیده باشد، خواه نرسیده باشد.

مؤلف کتاب «ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها؛ تقابل در قرآن» در ادامه گفت: در گزارشات منقول از ابراهیم ابن هاشم قمی رسیده است و کلینی آن را در «الکافی» جلد اول نقل می‌کند، ابراهیم ابن هاشم گفت جماعتی از فقهای شیعه از بلاد مختلف به مدینه آمدند و از امام جواد(ع) اجازه حضور خواستند و بعد از شرفیابی از 30 هزار مسئله شرعی، سوال‌هایی را مطرح و ایشان را امتحان کردند و از جانب امام جواد(ع) پاسخ درست شنیدند؛ امام جواد(ع) در آن زمان ده ساله بودند؛ این روایت از طرف بعضی از کارشناسان روایت صحیح تلقی شده است.

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی افزود: مجلسی هم در «بحار الانوار» جلد 50 صفحه 93 به نقل از منابع دیگر این روایت را درج کرده است و ابن شهر آشوب هم در کتاب «مناقب» جلد 4 صفحه 384 طبع قم نوشته است که ابراهیم بن هاشم می‌گفت من برای جمعی از شیعیان از ابوجعفر جواد (ع) اجازه شرفیابی طلبیدم و آن سرور اجازه داد شیعیانی که از بلاد شیعه به حضور آمده بودند، در یک نشست از سی هزار مسئله شرعی سوال‌هایی را مطرح کردند و پاسخ درست گرفتند در آن سال امام جواد(ع) ده ساله بودند.

سرشار افزود: مشابه این ماجرا در «الاختصاص» منصوب به شیخ مفید ص 102 هم درج شده است. اصل مطلب و آن نکته‌ای که در ابتدا گفته شد، آن است که در این گزارش‌ها نکاتی مربوط به علم امام وجود دارد؛ یعنی این‌که چرا باید فقها با طرح مسائل شرعی امامت ابوجعفرثانی(ع) را به آزمایش بگذارند؟ و حتی اساساً ممکن است این سوال قابل طرح باشد و آن سی هزار مسئله شرعی را با چه مجوزی و چگونه طرح کرده بودند.

این پژوهشگر عرصه حدیث ادامه داد: براساس پاره‌ای از روایات ظاهراً اصل آزمون مجوز و رهنمود آن در عهد امام صادق(ع) مقرر

شده بود. یکی از فقهای شیعه از امام صادق(ع) پرسید آن کسی که به ناحق بر منصب امام می‌نشیند و ادعای رهبری می‌کند، باچه حجتی باید او را محکوم کنند؟ ابوعبدالله صادق(ع) فرمود با طرح مسائل شرعی و پرسش از حلال و حرام الهی او را به آزمون می‌گذارند.

سرشار:

مجموع سوالات در عهد امام رضا(ع) به پانزده هزار و در عهد امام جواد(ع) به سی هزار مسئله شرعی رسیده بود که می‌توان مستندات آن را ذیل مسائل مجربه در بحارالانوار جلد 49 صفحه 97 مشاهده کرد

سرشار گفت: از آن تاریخ به بعد موقعی که شیعیان با مدعیان امامت روبرو می‌شدند، ابتدا با طرح مسائل شرعی علم و دانش آن فرد را آزمون می‌کردند تا بفهمند او دارای علم لدنی است؛ یعنی بدون درس و اجتهاد مسائل شرعی را از هر جهت بداند و پاسخ بدهد یا خیر. در رابطه با این موضوع اصحاب اجماع و کارشناسان اهل بیت(ع) سوال‌های فراوانی از اندوخته‌های مکتب را به عنوان سؤال امتحانی تدوین کردند.

وی ادامه داد: مجموع این سوالات در عهد امام رضا(ع) به پانزده هزار و در عهد امام جواد(ع) به سی هزار مسئله شرعی رسیده بود. شما می‌توانید مستنداتی را که گفته شد، ذیل مسائل مجربه در بحارالانوار جلد 49 صفحه 97 به نقل از کتاب غیبت شیخ طوسی ببینید. بعد از رحلت امام رضا(ع) اکثریت شیعیان به امامت تنها فرزند امام رضا(ع) یعنی ابو جعفر ثانی(ع) به علت کمی سنی ایشان که حدود هشت ساله بودند، تردید داشتند و این سوال‌ها را مطرح کردند.

سرشار افزود: بعد از ماجراهایی که درباره پیشنهادات یونس عبدالرحمان نقل می‌شود، دست آخر می‌گویند هشتاد نفر از فقها با همدیگر به حج مشرف شدند و در مدینه ابتداء عبدالله ابن موسی ابن جعفر را با سه مسئله شرعی آزمایش کردند و امامت او رد شد؛ سپس همان مسائل را از ابو جعفر ثانی(ع) سوال کردند و پاسخ درست شنیدند؛ بعد از سی هزار مسئله شرعی پرسیدند و جواب قاطع شنیدند و امامت آن حضرت را پذیرفتند.

این پژوهشگر علوم قرآن و حدیث ادامه داد: مجلسی شرح ماجرا را در بحار الانوار جلد 50 صفحه 89 و 85 آورده‌است. مجموعه‌ای به نام «171#&سی هزار مسئله شرعی» در زمان ابوجعفر ثانی(ع) مدون بوده که از آن کتاب در يك نشست دو یا سه ساعت چند ده سوال مطرح می‌کردند و صحت یا کذب ادعای امامت افراد را احراز می‌کردند.